

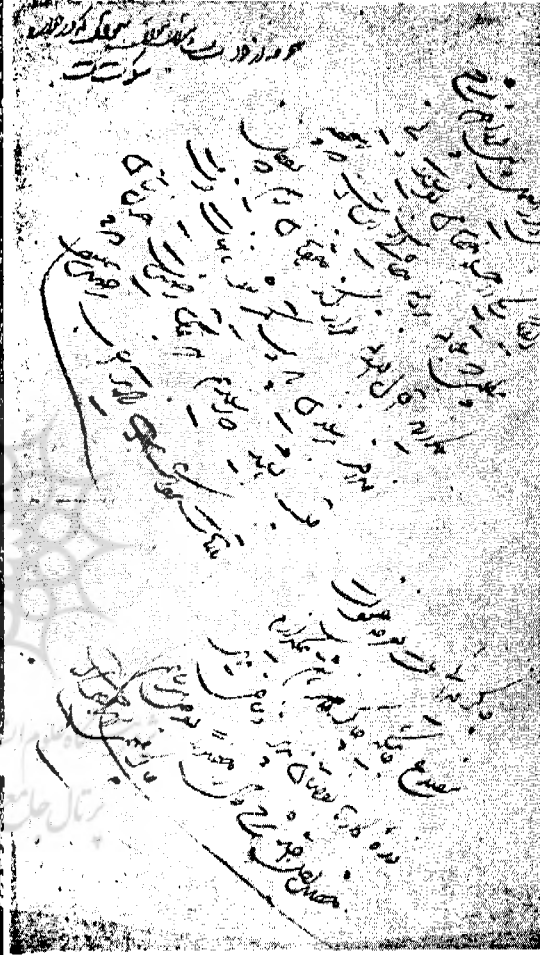
## يك نامه تاريخي

پس از آنکه در تاريخ جمادی الاول سال ۱۳۲۶ هجری قمری مجلس شورای ملی وسیله محمد علیشاه به توپ بسته شد و مجلس منحل گردید و حکومت استبداد مجدداً اعلام شد حکام یا استانداران محمد علیشاه به ایالات و ویالات ایران رو آوردند من جمله شهر اصفهان بود که حکومت آنجا به میرزا محمدخان غفاری کاشانی ملقب به اقبال-الدوله و نیابت معدل الملك شیرازی محول شده بود که این حاکم و معاونش نسبت به اهالی اصفهان از هیچ نوع تعدی و ظلم خود-داری نمیکردند و از طرفی چون در آن موقع سروصدای آزادیخواهان رشت و تبریز هم بلند شده بود مردم اصفهان نیز به جنبش در آمدند و بخیال افتادند که به نیروی ایل بختیاری که در مجاورت آنها بود متوسل شوند و بکلی ریشه این تعدیات و اجحافات

را از بیخ و بن برکنند و با برادران گیلانی و آذربایجانی خود نیز هم آواز شوند. این بود که بوسیله حاجسی آقا نوراله مجتهد و برادرش آقاشیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی که از علمای با نفوذ اصفهان بودند شروع با اقدامات مجدانه نموده وعده ای را به نمایندگی از طرف خود و علمای اصفهان به چهارم محال بختیاری روانه نمودند و دست بدامان مصمصام السلطنه بختیاری شدند .

سران بختیاری پس از اینکه در این مورد با هم تبادل نظر کردند و مقرر شد که بکمک برادران اصفهانی بشتابند روز هشتم ذی حجه سال ۱۳۲۶ ابتدا ضرغام السلطنه (عم نگارنده) با یکصد سوار بختیاری بطرف اصفهان حرکت کرد و استاد و حید دستگردی نیز از قریه دستگرد با این جمع بیوست و صبح روز نهم ماه مذکور پشت دروازه اصفهان ورود نمود و تا مرکز

شهر نیز بدون هیچگونه مقاومتی البته با کمک و راهنمایی اهالی اصفهان پیش راند اما نزدیک میدان نقش جهان و مسجد شاه با مقاومت سربازان اقبال الدوله روبرو شد .



بالاخره پس از زد و خوردی دلیرانه و تلفاتی مختصر سواران بختیاری توانستند نقاط حساس شهروادارات دولتی را متصرف شوند. و روز تمام نشده بود که با تحصن و پناهنده

شدن اقبال الدوله و همراهان او به کنسولگری ازگلیس، اصفهان بطور کلی، به تصرف ضرغام السلطنه در آمد و بلافاصله هم خبر تصرف اصفهان را به صمصام السلطنه که از عقب در حرکت بود اعلام نمود.

نامه ضرغام السلطنه در قهقرخ چهار مجال بدست صمصام السلطنه رسید و ایشان پس از اطلاع از جریان تصرف اصفهان شرح زیر را که سندی است تاریخی و گراور آن نیز به نظر میرسد در جواب ضرغام السلطنه نوشت و توسط محمد جوادخان (منتظم الدوله برادرزاده خود باعده ای سوار بکمک ضرغام السلطنه فرستاد .

شب یکشنبه دهم از قهقرخ ( منظور دهم ذی حجه ۱۳۲۶ است

\*\*\*

جناب نور چشم اجل رقیمه شریف به صحوب فرستاده مخصوص خودتان لدی الورد رسید از بشارت واقعه و التفاتهای رؤسای روحانی مستحضر و زاید الوصف مسرور شده حقیقت آفرین بر اشخاص که صاحب غیرت و حقیقتند شهداله عموم عهد و پیمان خودشان را بجا آوردند حالانوبت ما است فردا انشاءالله بیاری خداوند از قهقرخ حرکت میشود با سوار و استعداد کامل بواسطه عدم قوه خود نمیتوانم فردا را اصفهان برسم ولسی نورچشمیان

در ماه دسامبر در اثر اخاذیهای پیاپی  
معدل الملك معاوان والی اصفهان و طرز حکومت  
تعدی آمیز خود اقبال الدوله والی (استاندار)  
اصفهان ناراحتی زیادی بین مردم پدیدار  
شد این هیجان مردم که مورد تشویق علماء  
و تا حدی هم ساخته و پرداخته آنها بود  
روز ۲۸ دسامبر بحداعلای خود رسید و در  
آن روز عده‌ای در حدود ۲۰۰ تن که غالباً  
کسبه و مغازه داران کوچک بودند خواستند  
در ساختمان سر کنسولگری دولت اعلیحضرت  
پادشاه انگلستان پناهنده شوند مستر گراهام  
حاضر نمیشود این ناراضیها را در کنسولگری  
راه بدهد آنها به مسجد شاه میروند افراد مزبور  
تلگرافی به مستر گراهام میدهند که طی آن  
موارد شکایت خود را نوشته اند که برای اینجانب  
مخاطره شود تا آن را بشاه تسلیم نمایم .

روزهای بعد بر عده بست نشینان در مسجد  
اضافه میشود وعده کثیری از ساکنان دهات  
نیز برای شرکت در این ماجرا وارد شهر  
می شوند.

بامداد روزی و یکم عده‌ای در سر کنسولگری  
روس پناهنده میشوند مذاکراتی بین والی  
و سران علما در زمینه اعاده نظم در این  
میان جریان مییابد و اگر روز دوم ماه جاری  
ضرغام السلطنه بایکصد سوار بختیاری بشهر  
وارد نشده و برای پیوستن ب مردم بمسجد  
نرفته بود احتمال داشت راه حل مسالمت  
آمیزی یافت شود متعاقب این واقعه والی  
اصفهان بسر بازان دستور داد که بسوی جمعیت

غزیزاله خان و محمد جواد را با عده‌ای  
سوار میفرستم که فردا شب بشما ملحق شوند  
خودم هم بواسطه باقی سوار تفنگچی ها  
ضعف مزاج در یکی از دهات عرض راه  
توقف مینمایم پس فردا که یازدهم است خودم  
هم وارد خواهم شد عجلتاً جنابعالی برسیدن  
همین نوشته يك نفر آدم کافی بفرستید جلو  
نورچشمان از برای دستور العمل و پس فردا  
هم بشرح ایضاً یکی را جلو خودمان بفرستید  
ولی مطلبی که عجلتاً بر ذمه جنابعالی است  
این است که بهیچوجه نگذارید اقبال الدوله  
فرار کند تا خودمان برسیم که بفضل خداوند  
برسیدن باید دستگیر شود با نهایت قوت  
قالب بایستید که رسیدیم هر حاجتی و مطلبی  
است چون زمان ملاقات نزدیک است زیادتر  
اسباب زحمت نمی شوم .

محل مهر نجفقلی

در تأیید گفتار خود بی مناسبت نمیدانم  
ترجمه گزارش سر جورج بارکلی سفیر  
انگلیس در دربار ایران را نیز که بسر اد-  
واردگری وزیر امور خارجه وقت انگلستان  
در این باره داده است و عیناً از کتاب  
استقرار مشروطیت ایران که بوسیله دانشمند  
معظم آقای حسن معاصر از روی اسناد  
محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان تهیه  
و بصورت کتاب مستند قابل اعتمادی چاپ  
و منتشر شده است استنساخ و دنباله این مقاله  
به نظر خوانندگان خاطرات وحید برسانم.  
شماره ۲۸۳ (تاریخ وصول ۵ فوریه)  
از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شلیک کنند و در جریان زد و خورد که قسمت اعظم روز ادامه داشت در حدود بیست تن کشته و عده کثیری که غالباً تماشاگران بیگناه بودند زخمی شدند هم چنین بنا بدستور والی گلوله توپ بسوی مسجد شلیک میشود لیکن کسی کشته نمیشود هر چند که قسمتی از ساختمان مسجد خراب میشود پیش از غروب آفتاب ضرغام السلطنه بر نقاط سوق الجیشی مهم شهر بجز محل توپخانه دست مییابد والی از اقدامات دیگر برای مغلوب کردن بختیارها دست کشیده و بسربازان خود فرمان میدهد که بازار و حوالی کاخ را تاراج کنند.

در حدود هشتصد مغازه تاراج شد و میزان خسارت بین دولت هزار تا پانصد هزار لیره برآورد شده است باید توجه داشت که هیچیک از مؤسسات انگلیسی مستقیماً خسارت ندیده است.

والی همراه کارگزاران سایر مأمورین محلی همان شب بسر کنسول گری دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان پناهنده شدند عده ای از کارمندان و سربازان هنگ مملایری نیز روز بعد در سر کنسول گری بست نشستند روز بعد عده دیگری از بختیاری ها زیر فرماندهی منتظم الدوله ب شهر وارد شدند و ظرف همان روز بختیاریها کاخ و سربازخانه را اشغال کردند و سربازانی که تا آن موقع تحت فرمان والی بودند یا شهر را ترک نموده یا در سر کنسول گری انگلیس بست مینشینند.

صبح روز چهارم مقرر حکومت والی به

کلی تاراج شد و بعد از ظهر آن روز مصمص السلطنه در رأس هشتصد سوار بختیاری وارد شهر شد و مورد استقبال پر شور طبقات مختلف مردم قرار گرفت. پس از مذاکرات تلگرافیکه روز سوم این جانب و کاردار سفارت روس با مستر گراهام و سر کنسول روس به عمل آوردیم پشاه توصیه نمودیم که اقبال الدوله را از مقام والیگری عزل نموده و مصمص السلطنه را موقتاً بعنوان والی آنجا بگذاریم و اضافه کردیم که ما دولت ایران را مسئول جان و مال اتباع خود خواهیم شناخت با وجود تذکریه ای که در تاریخ پنجم آن را تکرار کردیم اعلیحضرت از انجام درخواست ما استنکاف کرده و ادعا نمودند که مصمص السلطنه اعتماد ندارند.

روز بعد شاهزاده فرمانفرما بوالیگری آنجا منصوب شد و قرار شد تا زمان حرکت ایشان باصفهان بکنفرمعاون از طرف خود در معیت سیصد سرباز بختیاری حرکت کند. این عده روز سیزدهم ماه جاری حرکت کرد.

در پاسخ شاهزاده فرمانفرما که به من و بهم قطار روسی ام مراجعه کرده و نظریه ما را در مورد اوضاع خواستار شد گفتیم علاقه ما صرفاً بحفظ آرامش است و بسر کنسولهای خود دستور داده ایم بمصمص السلطنه بگویند ما از او انتظار داریم نظم را حفظ کرده و باو توصیه نمایند کاری نکنند که رفع دشواریهای کنونی غیر ممکن بشود مصمص السلطنه در مذاکراتش با مستر گراهام کراراً مقاصد صادقانه و مسالمت جو یانه خویش را تأیید

می‌کند و این موضوع را که خود را والی اصفهان معرفی نموده است بطور قطع تکذیب مینماید.

وی ادعا میکند که اگر تأمین جانی باو داده شده و حقوق قانونی مشروطیت برای مردم اصفهان تأمین گردد حاضر است کنار برود اما اضافه میکند که اگر قوای مسلحی بر علیه او یا بر علیه شهر اصفهان فرستاده میشوند مردم اصفهان را تنها نخواهد گذاشت کما اینکه آنها هم او را تنها نخواهند گذاشت از هنگام ورود او باصفهان شهر حفظ شده و افراد نگهبان از میان نیروهای بختیاری که عده آنها اینک به ۱۵۰۰ تن بالغ گشته برای حراست تأسیسات خارجی‌ها فرستاده شده‌اند.

یک انجمن موقتی تشکیل شده و جلسات آن برای بحث در اطراف پیشنهاد های مربوط بانجام انتخابات تشکیل میگردد واهی به مبلغ بیست هزار تومان که ظرف بیست روز از محل مالیات قابل استرداد باشد ، با ضمانت تقریباً چهل نفر از شخصیت های معروف ملیون فراهم گشته است تاهزینه بختیارها تأمین شود.

گر چه میتوان گفت که در آغاز کار اشکالات محلی اصناف جزء وساکنان نواحی همجوار مخصوص شکایات مربوط به مالیات ارضی شکایاتی که بختیارها نیز در آن شریک بودند چهره اصلی نهضت را تشکیل میداد تردیدی نیست که سهولت دست یابی بر شهر اصفهان مصمصام السلطنه را تشویق کرد که از این فرصت مناسب برای تثبیت موقعیت خود در رهبری و ریاست ایل بختیاری حسن استفاده را بنماید. مشکل است ارزیابی کرد که احساسات ملیون تا چه اندازه محرک والهام دهنده رهبران بختیاری بوده است بهر حال

از اطلاعاتی که اخیراً بدست آمده واضع است که مصمصام السلطنه اینک بهواخواهی ملیون برخاسته و در این مورد دلایلی وجود دارد که او از حمایت سردار اسعد خویشاوند نزدیک و با نفوذش که در پاریس اقامت دارد و همچنین از حمایت سایر سرکردگان بختیاری که از تهران از طرف شاه بامید کاشتن تخم نفاق و اختلاف بین طوائف بختیاری فرستاده شده‌اند برخوردار میباشد .

بایستی اضافه کنم مستر گراهام موفق شد برای حرکت و عبور اقبال الدوله از انجمن محلی تأمین کتبی و از مصمصام السلطنه بختیاری قول شفاهی بگیرد که اسکورتی از سواران بختیاری با او فرستد و اقبال الدوله هم رضایت داد که روز ۲۴ ماه جاری محل بر کنسولگری دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را ترک کند بشرط اینکه مستر گراهام یک منزل با او همراهی کند و یکی از مستخدمین کنسولگری را هم تا منزلگاه دوم همراهش گسیل دارد .

ولی با توجه بسوابق گذشته والی نامبرده و بمنظور اینکه مسئولیت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را مورد امنیت جانی اوتا آنجائیکه ممکن است محدود نمایم نتوانستم پیشنهاد مستر گراهام را برای همراهی نمودن با اقبال الدوله تصویب نمایم و تاکنون والی اصفهان محل سر کنسولگری را ترک نکرده است ، رویهمرفته در حال حاضر ۲۰۰ نفر پناهنده در آنجا اقامت دارند مستر گراهام موفق شده است عده‌ای را مقاعد کند که خارج شوند ولی اسلاد در حدود پانصد نفر از افراد سر بازو سایرین در سر کنسولگری پناهنده بودند که با اشکال زیادی تحت کنترل قرار میگرفتند.

با تقدیم احترامات امضاء جورج بارکلی